

اطلاعیه شماره ۲۲

۲ اسفند ۱۳۷۹

Editor@kargar.org

«انتخابات»، بی انتخابات!

در این هفته، فصل نخست «مضحکه» انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری با به صحنه وارد شدن علی فلاحیان آغاز شد. هنوز یک ماه به آغاز زمان ثبت نام رسمی داوطلبان نامزدی انتخابات مانده، اما در حدود نه نفر آماده «رقابت» انتخاباتی شده اند! علی فلاحیان نماینده باند راست هیئت حاکم بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ در کابینه هاشمی رفسنجانی عهده دار پست اطلاعات بوده و هم اکنون نماینده مردم استان خوزستان در مجلس خبرگان است. نام این شخص هم چنان به علت سازماندهی عملیات تروریستی در لیست تروریستهای بین المللی ضبط شده و به عنوان «جنایت علیه انسانیت» در خارج از ایران مورد تعقیب قرار گرفته است. خاتمی نیز که به اتکا به «کارنامه درخشان» چهار سال ریاست جمهوری اش در حال جلب آرای حزب الله است، هنوز نامزدی خود را اعلام نکرده است. نام افرادی مانند اسداله بادمچیان (رهبر جمعیت مؤتلفه اسلامی)، محسن رضایی (دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام) و همچنان عبدالله جاسبی (رئیس دانشگاه آزاد اسلامی)، محمود کاشانی (استاد حقوق دانشگاه) و پرویز ورجاوند (دبیر کل جبهه ملی و وزیر سابق دولت بازرگان- البته به شرط آنکه خاتمی نامزد نگردد!) در لیست نامزدها دیده شده اند.

بقیه در صفحه ۴

«قانون کار» آنها

و مطالبات «ما»

م. رازی

Razi@kargar.org

پیش نویس «قانون جدید کار» در مورد کارگاه هایی که پنج نفر یا کمتر از پنج نفر کارگر دارند، از سوی «کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران» با مشارکت «تشکل های کارگری و کارفرمایی» تحت نظر کمیته ای از معاونت حقوقی ریاست جمهوری، تهیه و پس از بررسی وزارت کار و امور اجتماعی تقدیم هیئت وزیران شد (دوران ما، چهارشنبه ۳ اسفند ۱۳۷۹). اگر این پیش نویس ۳۱ ماده ای به لایحه مبدل شود و به تصویب مجلس برسد، قرار است که لایحه حذف کارگاه هایی که پنج نفر یا کمتر از پنج نفر کارگر، از «قوانین اشتغال نیروی انسانی» و تأمین اجتماعی، مصوبه ۸ اسفند ۱۳۷۸ مجلس پنجم، ملغای اعلام گردد. به سخن دیگر، قرار است این کارگاهها نیز همانند سایر کارخانه ها از «مزایای» سایر کارگران برخوردار شده و مشمول «قانون کار جمهوری اسلامی» شوند (مانند بهره گیری کارگران از بیمه بیکاری مصوب شهریور ۱۳۶۹ مجلس).

بقیه در صفحه ۲

«قانون کار» آنها.....

اکثریت آن در دست باند راست بود طرح جنجال برانگیز حذف کارگران شاغل در کارگاه های ۵ نفر یا کمتر را از مزایای قانونی، به تصویب رساند. هدف اصلی باند راست ایجاد افتراق در میان کارگران و ترسیم موقعیت آتی سایر کارگران بود. این عمل ارباب آمیز می توانست همانند چماقی بر سر سایر کارگران در موقعیتهای دیگر فرود آید و آنها را کاملاً از استفاده از مواد «قانون کار» حذف کند.

از سوی دیگر باند «معتدل» و به اصطلاح «اصلاح طلب»، روش دیگری برای پیشبرد مسایل اقتصادی مد نظر داشته است. این باند که متکی بر سرمایه داری «صنعتی» (سبک جهان سومی آن)، تکنوکراتهای بلند پایه دستگاه دولتی، قشرهای روشنفکر متمایل به نظام سرمایه داری غربی و طبقه متوسط مرفه «بالای شهر نشین» است، خواهان برقراری نظامی مترادف با «قوانین بین المللی» و شرکت در بازار جهانی سرمایه داری است (روشی مشابه به دوره نظام شاهنشاهی). اقدامات اخیر این باند به ویژه پس از کسب اکثریت در مجلس (تا آنجایی که در تقابل کامل با نظر «رهبر» قرار نگرفته) در این راستا بوده است. تغییر قوانین سرمایه گذاری برای سرمایه های خارجی (بیش از ۵۰ درصد سهام) و «همایش بین المللی» (۲۶ مهر) با دعوت ۳۰ شرکت آلمانی، انگلیسی، ایتالیایی، فرانسوی، چینی، استرالیایی، مصری، عربستان سعودی، سوریه ای، مالزی به ایران و تشویق آنها به سرمایه گذاری (۷/۸ میلیارد دلاری) و همچنین مذاکرات اقتصادی با دول غربی و غیره همه در جهت استحکام بخشیدن این هدف بوده است.

پیش نویس «قانون کار جدید» نیز در همین راستا تدوین شده است. اقتصاددانان «اصلاح طلب» سال گذشته به باند راست هشدار دادند که ضرورت حفظ نظام سرمایه داری در ایران ایجاد «محیط مساعد برای سرمایه گذاری از سوی شرکتهای خارجی و داخلی» است، در غیر آن صورت «راه آشوب اجتماعی باز خواهد شد!» آنها توصیه کردند که: «برای بهبود آمار اشتغال قوه اجرائیه و مقننه می بایست مداخلات خود را در امور بازار را کاهش دهند و قانون کار را به نفع بارآوری صنعتی اصلاح کنند.» همچنان اعلام داشتند که: «حکومت به خوبی از نقش و اهمیت سرمایه گذاری ها در توسعه در توسعه تولید آگاه است و انگیزه هایی را برای آن اعلام کرده است. برای اینکه این روند را سرعت بخشد، حکومت می بایست به خوبی موانع موجود را معین کرده و آنها را از راه بردارد. این شامل اصلاح قانون کار است، که امکان از

به علاوه، بنا بر این «قانون کار»، گماردن کودکان کمتر از ۱۵ سال ممنوع اعلام شده و ساعات کار ماهانه ناپستی از ۱۹۲ ساعت تجاوز کند. همچنان روز جهانی کار جزو تعطیلات رسمی کشور به حساب خواهد آمد. در قانون کار جدید قرار است حل اختلاف بین کارگر و کارفرما در «کمیته داوری» با شرکت نمایندگان «قانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی» و مجامع امور صنفی رسیدگی شوند. در صورت اخراج کارگران، کارفرما موظف می شود که به نسبت هر سال خدمت، ۳۰ روز آخرین مزد آنها را پرداخت کند (۵۰ روز اگر اخراج غیر موجه باشد). تغییرات پیشنهادی به قانون کار، چند نکته را در موقعیت کنونی سیاسی برجسته می کند:

انگیزه واقعی تغییر «قانون کار» چیست؟

بدیهی است که تغییرات پیشنهادی «قانون کار» هیچ ارتباطی به بهبود وضعیت کارگران ندارد. اگر سردمداران و «اقتصاددانان» رژیم قصد بهبود وضعیت کارگران را داشتند، می بایستی کل «قانون کار» را اساساً تغییر دهند. علت اصلی این تغییر و تحولات مرتبط به سیاستهای مختلفی است که دو جناح عمده رژیم با یکدیگر داشته اند.

بباید محافظه کار رژیم، به اصطلاح «تمامیت خواهان»، که عموماً پایه در سرمایه داری سنتی بازار دارد، همواره خواهان یک اقتصاد بسته «اسلامی» و تمرکز قدرت اقتصادی در دست دولت بوده است. طبق آمار دولتی ۸۶ درصد تولید ملی ایران؛ ۳۷ درصد صادرات غیر نفتی؛ ۱۰۰ درصد صادرات نفتی و ۹۵/۵ درصد واردات در کنترل کامل دولت متمرکز شده است (کمیسیون ترویج بازرگانی و صادرات وابسته به اتاق بازرگانی). این روش از سیاست بازتاب مشخصی نیز در «قانون کار» و برخورد به کارگران داشته است. باند «راست» تصور می کند با متمرکز کردن اقتصاد در دست دولت و اجرای سیاستهای مستقیم فشار بر کارگران و ارباب آنها، می تواند قدرت سیاسی خود را اعمال کرده و از هر گونه اعتصاب و ناآرامی در درون جنبش کارگری جلوگیری کند. بر این اساس در ۸ اسفند ۱۳۷۸ مجلس پنجم که

باید حداقل در تدوین این قانون کار نظر نمایندگان واقعی کارگران را دخالت می دادند. پس از تجربه ۴ سال قول و قرارهای بی اساس رئیس جمهور و «اصلاح طلبان»، کارگران هیچ اعتماد به نمایندگان کارفرمایان و هیچ توهمی نسبت به رئیس جمهور ندارند. تمام قوانین نیم بند کار، تا کنون توسط همین نهادها نقض شده اند. این پیشنهادات «خوب»، اگر با تصمیم گیری نهادهای مستقیم کارگران و تشکل های مستقل کارگری نظارت نشوند و مورد اجرا قرار نگیرند، بی ارزش و نمایشی هستند. «کمیت داور» که منعکس کننده نظرات و حضور فعال کارگران مستقل نباشد، تنها می تواند به یکی دیگر از ابزار سرکوب و ارباب کارگران مبدل گردد.

مطالبات اساسی کارگران کدامند؟

قانون کار کارگران با «قانون کار» سرمایه داران متفاوت است. زیرا:

اول، کارگران برای تضمین اجرای قانون کار باید قادر به تشکیل نهاد مستقل خود باشند (مستقل از دولت و تمام حزبهای سیاسی موجود). تنها با ایجاد یک تشکل مستقل کارگری بدون دخالت دولت و کارفرمایان است که قانون کار معنای واقعی پیدا می کند. اما، رژیم همواره «خانه کارگر» و شعبات وابسته به آن مانند «شوراهای اسلامی کار»، «انجمن های صنفی»، «انجمن های اسلامی»، «مجمع نمایندگان» و «حزب کارگران اسلامی» را به عنوان نهادهای کارگری معرفی کرده است. در صورتی که اینها همه نهادهای «زرد» و وابسته به دولت هستند و هیچ یک معرف منافع کارگران نیستند (حتی اگر در موارد انعکاس کننده مطالبات کارگری باشند).

دوم، کارگران خواهان افزایش دستمزدها خود مترادف با افزایش تورم هستند. کارگرانی که در بهترین حالت روزی ۱۵۰۰ تومان دستمزد می گیرند، قادر نخواهند بود که گوشت کیلویی ۲۵۰۰ تومان خریداری کنند. امروز، مخارج روزانه معیشتی یک کارگر (خوراک، ایاب و ذهاب و درمان) حداقل روزی ۲۰۰۰ تومان است (کارگری که دارای خانواده باشد وضعیت به مراتب وخیم تری پیدا می کند). تورم در جامعه ایران بی داد می کند. تنها از طریق افزایش دستمزدها مطابق با تورم خواهد بود که کارگران به یک دستمزد حداقل نایل آیند.

بیکار کردن و اخراج را نزدیک به غیر ممکن کرده است. این باری نیست که سرمایه داری بخواهد بکشد. (جعفر خیرخواهان، روزنامه انگلیسی ایران دلی، ۱۶ نوامبر ۲۰۰۰، تاکید از ماست). بنا بر گزارش های اخیر نیز همان استدلالها از جانب نظریه پردازان «اصلاح طلبان» و «محافل اقتصادی و کارشناسان دانشگاهی» تکرار شده است. سخنانی از قبیل اینکه «قانون کار» کنونی، «جلوی اصلاحات بنیادین در عرصه خصوصی سازی را گرفته است» و یا اینکه آن «به مانع اصلی سرمایه گذاری خارجی مبدل شده است» و یا اینکه آن «راه را بر سرمایه داران می بندد و موجب گسترش بیکاری می گردد». (رادپو آزادی، چهارشنبه ۳ اسفند ۱۳۷۹)، همواره تکرار شده اند.

در نتیجه، اختلاف بین باندهای هیئت حاکم بر محور اخراج یا عدم اخراج کارگران و یا تشدید یا کاهش ارباب آنها، نیست. اختلاف بر سر روش و نحوه ی اجرای استثمار کارگران است. یکی به صورت «زمخت» و قرون وسطی عمل کرده، و دیگری خواهان ایجاد ظاهری «ملایم» است که مورد پذیرش دولتهای غربی قرار گیرد. بازتاب چنین روشی در «قانون کار» سابق و پیش نویس جدید آن، مشاهده می شود.

آیا پیشنهاد دهندگان صلاحیت تغییر

«قانون کار» را دارند؟

در یک کلام: خیر! تغییراتی مانند جلوگیری از اخراج کارگران و یا ۱۹۲ ساعت کار در ماه (که در واقع باید به ۱۴۰ ساعت کاهش یابد) و عدم استفاده از کودکان و غیره زمانی می تواند جدی تلقی گردد که اجرای آن بدست نمایندگان خود کارگران باشد. اعلام شده است که «قانون کار جدید» توسط «قانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران» با مشارکت «تشکل های کارگری و کارفرمایی» تحت نظر کمیته ای از معاونت حقوقی ریاست جمهوری تدوین گشته است. بدیهی است که قانون کاری که قرار است بازتاب کننده مطالبات کارگری باشد نمی تواند توسط نمایندگان کارفرمایان، رئیس جمهور و عده ای «کارگر» نا شناخته به طبقه کارگر، صورت پذیرد. این عده صلاحیت ارائه و تغییر قانون کار را ندارند. زیرا نه توسط کارگران انتخاب شده و نه ارتباطی به کارگران دارند. اگر «اصلاح طلبان» دلسوز خواهان استقرار نظامی مانند سرمایه داری غربی در ایران هستند،

کارخانه (مانند انجمن های اسلامی) صورت گیرد، باید تحقق یابد. کار برای همه در کارخانه موجود است کارفرمایان می توانند با کاهش ساعت کار برای همه کارگران کار ایجاد کنند. اگر کارفرمایان سخن از عدم سوددهی کارخانه به میان می آورند. پاسخ کارگران اینست که «دفترهای حساب و کتاب را باز کنید!» بگذارید همه کارگران مشاهده کنند که چقدر کارخانه تولید کرده، حقوق مدیران چه بوده و به کارگران چقدر پرداخت شده است.

اگر کارفرمایان و دولت سرمایه داری قادر به سازماندهی تولید و استخدام کارگران نیستند، باید کنار روند و سازماندهی را به خود کارگران بسپارند. کارگران با کارآرایی والاتری قادر به تولید و توزیع کالاهای کارخانه خواهند بود. کنترل کارگری بر تولید و توزیع یکی از مطالبات محوری کارگران در مقابل کارفرمایان و رژیم است.

ششم، حق اعتصاب یکی از خواسته های به حق کارگران ایران است. قانون کار سابق و جدید فاقد این نکته اساسی است. مبارزه در راستای اخذ حق اعتصاب و سازماندهی اعتصاب تنها راه مقابله با اجحافات کارفرمایان و دولت سرمایه داری است. اگر دولت به چنین خواستی تن ندهد، راهی جز سازماندهی اعتصاب از طریق هسته های مخفی کارگری باقی نمی ماند. کارگران ایران تنها با سازماندهی اعتصاب کارگری است که می توانند اعتماد به نفس یافته و خود را برای مدیریت کارگری آماده کنند.

۵ اسفند ۱۳۷۹

«انتخابات»، بی انتخابات!

از صفحه ۱

از دیدگاه کارگران، زحمتکشان، جوانان و زنان ایران که در انتخابات پیش (خرداد ۱۳۷۶) بین «بد و بدتر» انتخاب کرده و آرای میلیونی خود را به خاتمی دادند، امروز این مضحکه را دیگر نمی پذیرند. انتخاباتی که شورای نگهبان قرار است صلاحیت نامزدهای آنرا تعیین کند، مردود و غیر قابل پذیرش مردم ایران است. انتخاباتی که تنها محدود به «خودی»ها و «غیر خودی»های یک هیئت حاکم می گردد، غیر دموکراتیک و بی اساس است.

اما این مورد نیز باید تحت کنترل خود کارگران صورت گیرد. در ماههای گذشته مهره های «کارگری» رژیم مانند علیرضا محجوب، چنین مطالباتی را مطرح کرده است. برای نمونه ایشان در مصاحبه اخیر خود اعلام کرده است که: «باید حداقل دستمزد کارگران با توجه با نرخ تورم و سبد هزینه ای کالاهای مصرفی کارگران» تعیین گردد و ظاهراً ۱۰ «کارشناس» قرار است نرخ تورم را بررسی کرده و به «شورای عالی کار» گزارش دهند! (ایسنا ۲ فوریه ۲۰۰۱). این گفتار فریب کارانه نمی تواند مورد پذیرش کارگران قرار گیرد. زیرا اولاً نرخ تورم دولتی (۲۰ درصد) کذب محض است و تورم در جامعه ایران به مراتب بالاتر از آنست. ثانیاً آیا این «کارشناسان» و خود «شورای عالی کار» منتخب کارگران هستند و یا زائده همان «خانه کارگر»؟ ثالثاً حتی اگر قرار باشد این اقدام «دلسوزانه» انجام گیرد ضمانت اجرایی نخواهد داشت.

سوم، ماده ۷، تبصره ۲ «قانون کار» شامل بخشنامه «قرار دادهای موقت کار» می شود. طبق این قانون ضد کارگری معروف به استخدام «۸۹ روزه»، کارگران تنها برای این مدت استخدام می شوند. بدین ترتیب دست مدیران برای اعمال فشار باز گذاشته می شود زیرا کارگران هیچگاه امنیت کار دائمی را دارا نخواهند بود. مبارزه در راستای حذف این بند که کارگران را به اسارت کارفرمایان در می آورد می تواند به یکی از شعارهای محوری مبارزه با قانون کار مبدل گردد.

چهارم، مسایل ایمنی. با بالا بردن سرعت ماشین آلات و استفاده از ابزار قدیمی و غیر ایمنی، تلفات جانی و قطع اعضای بدن (عمدتاً انگشتان دست) کارگران افزایش یافته است. تضمین مسایل در کارخانه و کاهش سرعت ماشین آلات و جایگزینی ابزار قدیمی و از کار افتاده با وسایل جدید باید صورت پذیرد. کارگران در مقابل این اجحافات با «کنندکاری» و از کار انداختن ماشین آلات کهنه و دست از کار کشیدن و اشغال کارخانه ها، می توانند توطئه های کارفرمایان را خنثی سازند.

پنجم، جلوگیری از اخراج کارگران و کاهش ساعات کار. کارفرمایان به بهانه عدم داشتن کار کافی و عدم داشتن درآمد و یا نداشتن وسایل یدکی، دست به اخراج کارگران زده اند. این روند در چند سال گذشته شدت یافته است. اخراج هر کارگری به هر علتی ممنوع باید اعلام گردد. بررسی اختلاف بین کارفرما و کارگران تنها از طریق نمایندگان کارگران در کارخانه که به صورت دموکراتیک و بدون اعمال نفوذ جاسوسان رژیم در

کارنامه‌ی

«سوسیالیست‌های انقلابی ایران»

م‌رازی

بخش دوم

آغاز مداخله سیاسی حول نشریه «کندوکاو» و

انتشارات «طلیعه»

پس از قریب به یک سال فعالیت متشکل در لندن، افراد دیگری از طرفداران بین الملل چهارم در سایر کشورهای اروپایی (عمدتاً فرانسه، سوئیس، آلمان و آمریکا)، با نظریات گروه هم سویی پیدا کرده و در ارتباط تشکیلاتی قرار گرفتند (۱). این عده طی برگزاری کنفرانسی، بر پایه توافق با اسناد و قطعنامه‌های نخستین چهار کنگره بین الملل سوم، سند بنیادی بین الملل چهارم، و برنامه انتقالی برای انقلاب سوسیالیستی، گروه «تروتسکیست‌های ایرانی طرفدار بین الملل چهارم در اروپا و خاور نزدیک» را بنیاد نهادند. آن گروه به منظور پیشبرد اهداف خود مبنی بر کمک به ایجاد یک قطب سوسیالیستی در درون جنبش دانشجویی در جهت تدارک برای ایجاد یک گرایش انقلابی در ایران، نشریه‌ای منتشر کرد.

نخستین شماره نشریه گروه «کندوکاو»، در آذر ۱۳۵۳ انتشار یافت و در سر مقاله آن اهداف نشریه چنین توضیح داده شد: «کندوکاو حاصل بحث و کار عده‌ای دانشجوی ایرانی است. هدف از انتشار آن اشاعه مارکسیزم انقلابی در داخل جنبش دانشجویی، و کمک به ایجاد یک قطب سوسیالیستی انقلابی در داخل این جنبش است. دانشجویان مستثنی و منزوی از کل اجتماع نیستند. عقاید و دستجات سیاسی میان دانشجویان انعکاسی است از عقاید و طبقه بندی موجود در اجتماع. خود جنبش دانشجویی نیز، چه فعلاً به آن آگاه باشد چه نه، از مبارزات طبقات مستثنی نیست

دولت خاتمی و «اصلاح طلبان» تنها کاری که در چهارسال پیش انجام داده، اینست که دست نیروهای حزب الله را بر روی مردم باز تر کنند. اعدام‌های وحشیانه و شلاق زندانها ی عمومی و بی حرمتی ها همه ناشی از بی عرضگی رئیس جمهور است. چگونه می توان به رئیس جمهوری که حتی جرأت دفاع از طرفداران خود را ندارد، مجدداً اعتماد کرد؟ مردم ایران دیگر خواهان تکرار همان سناریو با همان افراد و یا «لولو سرخرمن»های جدید، نیستند. کارگران، جوانان و زنان مبارز هیچ توهمی نسبت به هیئت حاکم و جناح بندی درونی آن دیگر ندارند.

کارگران و جوانان پیشرو در مقابل این مضحکه انتخاباتی خود را برای «اصلاحات» واقعی آماده می کنند. اصلاحات قشرهای تحت ستم ایران از طریق تحریم انتخابات رژیم و تشکیل تشکل های مستقل خود عملی خواهد بود و بس! مبارزه و تبلیغات برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری، دانشجویی و زنان به منظور در دست گرفتن سرنوشت مردم به دست خودشان، می تواند به یکی از مطالبات محوری در این انتخابات تبدیل شود. حرکت های اخیر جوانان در ۲۱ و ۲۲ بهمن نشانگر این گرایش عینی در جامعه است.

بولتن انگلیسی

«عمل کارگری» شماره ۹

شامل مقالاتی در مورد جنبش کارگری ایران، مسئله فلسطین، اتحاد چپ کارگری و راه کارگر انتشار یافت.

<http://www.kargar.org/english.htm>

گفتو و شنود با م‌رازی

نقش پیشروی کارگری در انقلاب آتی

رادیو روشنگران

<http://www.kargar.org/Roshangaran.htm>

جمعه ۲ مارس ۲۰۰۱ (۸ شب به وقت اروپا)

یادداشتها:

۱- در همین دوره، گروه دیگری از دانشجویان ایرانی، تحت تأثیر بخش طرفدار بین الملل چهارم در آمریکا، گرایش به تروتسکیزم پیدا کرده و پس از مدتی تحت نام «انجمن ستار» فعالیت خود را آغاز کردند. عده ای از این انجمن به دلایل اختلافات سیاسی جدا شد، و به گروه در اروپا پیوستند (برای توضیح ارتباط بین گروه اروپا «انجمن ستار»، رجوع شود به بخش فعالیت متشکل سیاسی در دوره انقلاب، تشکیل «حزب کارگران سوسیالیست» و انتشار نشریه «کارگر»)

۲- نشریه کندوکاو در دو دوره انتشار یافت. دوره اول، در ۸ شماره از زمستان ۱۳۵۳ تا زمستان ۱۳۵۷ و یک شماره ویژه (بحران سرمایه داری ایران و احتضار سلطنت پهلوی - آذر ۱۳۵۷) منتشر شد؛ دوره دوم، در ۳ شماره از بهار ۱۳۵۸ تا بهار ۱۳۶۰ انتشار یافت (منتخبی از مقالات دوره اول، نیز تجدید چاپ شده است).

۳- تحت عنوان «انتشار طلیعه» جزوات زیر انتشار یافتند. در دوره قبل از قیام: سه بینش از انقلاب روسیه (تروتسکی)، امپریالیسم و انقلاب مداوم (ژاک والیه)، دیالکتیک انقلاب جهانی (قطعه نامه کنگره ۱۰ بین الملل چهارم)، مبارزه مسلحانه در آمریکای لاتین (قطعه نامه های کنگره ۹ و ۱۰ بین الملل چهارم)، انقلاب فرهنگی چین (قطعه نامه های کنگره ۹ بین الملل چهارم، در باره بوروکراسی (مندل)، استالینیزم و بلشویزم (تروتسکی)، ماهیت طبقاتی دولت شوروی و دولت کارگری و مساله ترومیدور و بنابارتیزم (تروتسکی)، نتایج و چشم اندازها (تروتسکی)، بینالملل چهارم (پیرفرانک)، اخلاق آنها و اخلاق ما (تروتسکی)، انقلاب عرب (سندی از سازمان های طرفدار بین الملل چهارم در دنیای عرب). در دوره انقلاب: همزیستی مسالمت آمیز و انقلاب جهانی (مندل)، الفبای مارکسیزم (مندل) ریشه های بلشویزم و نظریه سازماندهی لنینیستی (مندل)، بین الملل سوم پس از لنین (تروتسکی)، انقلاب مداوم در کشورهای عقب افتاده (مندل).

راه حلها و برنامه های مختلف و متضادی که طبقات مختلف برای حل مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جامعه ارائه می دهند در جنبش دانشجویی نیز منعکس می شود.

«به عقیده ما تنها راه پیشرفت جنبش دانشجویی اتحاد سیاسی آن بر مبنای عقاید و برنامه است که می تواند جنبش را، همگام، جنبش طبقاتی جامعه به جلو هدایت کند. یعنی بر مبنای مارکسیزم انقلابی. یعنی با بریدن از ایدئولوژیهای بورژوائی و ما قبل آن».

«از این نظر، وظیفه سوسیالیست ها در جنبش دانشجویی مبارزه پیگیر و آگاه سیاسی برای نیل به این هدف است» (چند کلام، کندوکاو شماره ۱، آذر ۱۳۵۳).

برای تحقق بخشیدن به اهداف فوق و طرح اختلافات موجود در جنبش کمونیستی و طرح اصول مارکسیزم، یک سری مقالاتی در مورد مباحث اقتصادی مارکسیستی (مفهوم سرمایه داری و امپریالیسم)؛ مباحث تئوریک مارکسیستی (در مورد استالینیزم، مائوتسزم، تروتسکیزم، حزب لنینیستی، مفهوم برنامه انقلابی، درک از دمکراسی و غیره)؛ تجارب جنبش های کارگری در سطح جهانی (اسپانیا، پرتغال، ایران و غیره)؛ جنبش های ملی (کرد، بلوچ، فلسطین و غیره)؛ جنبش زنان؛ اقتصاد ایران (ساختار سرمایه داری و مسئله ارضی) و مقالاتی در مورد اوضاع سیاسی ایران و جنبش کارگری و مبارزات جنبش مقاومت علیه رژیم شاه و لزوم فعالیت های دفاعی، طی چندین شماره در نشریه کندوکاو منتشر شد (۲). از سوی دیگر، اضافه بر مباحث تئوریک و سیاسی فوق، نشریه عمدتاً تأکید بر مسائل مشخص روز نیز داشت. از این رو در جهت تکمیل نشریه کندوکاو، تعدادی جزوات که محتوای آنها جنبه تئوریک داشت، در کنار کندوکاو، تحت عنوان «انتشارات طلیعه» انتشار یافت (۳).

ادامه دارد

رادیو «روشنگران»

پخش زنده

روزهای جمعه ساعت ۸ شب به وقت اروپا

<http://www.kargar.org/Roshangaran.htm>

از سایت زیر دیدن کنید:

<http://www.kargar.org>